

عنوان مقاله:

کارکردهای اندیشه فلسفی در تعامل با رویکردهای اخلاقی

محل انتشار:

سومین کنگره بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی (سال: 1395)

تعداد صفحات اصل مقاله: 9

نویسنده:

علی اصغر یزدان بخش - استاد دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید بهشتی خراسان رضوی، ایران

خلاصه مقاله:

علوم مختلف به هست و نیست می پردازند و اخلاق یگانه دانشی است که با مفاهیم باید و نباید سروکار دارد، اخلاق دو قلمرو کلی دارد که همه چیز را در یکی از آن دو جای می دهد؛ خوب یا بد؛ و البته برای تعیین حیطه و قلمروی هرچیز باید شاخص و معیاری داشت که از آن جمله می توان به عقل، نقل و شهود اشاره کرد. این مقاله با استفاده از روش توصیفی و کتابخانه ای به تبیین نقش تعقل و تفکر بعنوان شاخصی برتر در انتخاب رویکرد بهینه به اخلاق پرداخته و برخی از شیوه های مهم اخلاق فیلسوفانه را به تصویر می کشد. مکاتب اخلاقی را می توان به سه قسم عمده تقسیم کرد: اخلاق فیلسوفانه، اخلاق عارفانه و اخلاق نقلی، که در این میان علی رغم اختلاف نظرهایی که در اندیشه های فیلسوفان اخلاق وجود دارد اخلاق را به منزله یک نظام فکری دانسته و در استفاده از عقل و استدلال و برهان عمده این نحله ها هم عقیده بوده و خردورزی را فصل ممیز و حقیقت وجود انسان می دانند. در نگرش فلسفی به اخلاق، نفس آدمی دارای سه قوه شهویه، غضبیه و ناطقه است که با یکدیگر تعامل داشته و از یکدیگر تاثیر و تاثر می پذیرند. سقراط، افلاطون، ارسطو، نیچه، لذت گرایان، ریاضت گرایان سبک هایی اخلاقی را بیان می کنند که وجه مشترک آنها اتکا به نقطه ثقلی به نام عقل است، که خود موجب امتیاز اخلاق فیلسوفانه از سایر اخلاق ها است، هرچند نتایج بدست آمده و غایت اخلاقی این فیلسوفان یکسان نباشد.

کلمات کلیدی:

اخلاق، اخلاق فیلسوفانه، رویکردهای اخلاقی، اندیشه فلسفی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/713409>

